سلام

از این به بعد قرارِ ما پنج شنبه‌ها

سلام سلام بچــه‌ها، چـطوره حالِ شما؟ خوب و خوش و شاد و خندون هستید؟ از لحظه‌لحظه‌های فصل گرم و قشنگ و رنگارنگ تابستون، نهایتِ لذت رو می‌برید؟ تابستون با تعطیلی‌هاش، با خورشیدِ درخشانش، با میـوه‌های شیرین و خنکش و ورزش و هیجان و آب‌بازی، بهترین فصلِ خـدا برای ما بچه‌هاست. فرفره امروز با قصـه و شعر و لطیفه، پیشِ روی شماست و آماده‌ست تا بخونید و یاد بگیرید و سرگرم بشید. راستی بچه‌ها! از این به بعد، فرفره به‌جای شنبه‌ها، پنج شنبه هر هفته به دیدن‌تون میاد و به دستتون می‌رسه. قرارمون یادتون نره، چهارشنبه پیش رو، عید قربان هست. عید بزرگی که ما مسلمان ها همه جا رو آذین می بندیم و شاد و خوشحالیم. پیشاپیش عیدتون مبارک.

قصه

گردش در باغِ رویا

یکی بود، یکی نبود. دختری بود به اسم «نازنین‌زهرا» که یه روزِ گرم تابستون، حوصله‌ش حسابـی سر رفته بود اما مامان و باباش، فعلا و حالا حالاها، وقت و فرصتِ گردش رفتن خانوادگی رو نداشتند. نازنین‌زهرا تصمیم گرفت حالا که به‌شکل واقعی نمی‌تونه بره گردش، توی خیال این کار رو انجام بده! این بود که مدادشمعی‌هاش رو برداشت، دفتر نقاشی‌ش رو باز کرد و خودش رو با یک لباس صورتی قشنگ، با تاجی طلایی و پر زرق و برق، در حالی که گل‌های قرمز ریز بین موهاش دیده می‌شد، توی یک باغِ بزرگ و سبز نقاشی کرد. تا چشم کار می‌کرد، آسمونِ آبی و زمین سبز و درخت‌های سرو و بوته‌های گل بود که دیده می‌شد. خورشیدخانم نور می‌تابوند، صدای شُرشُر آبشار و جیک‌جیک پرنده‌ها به گوش می‌رسید، سیب و گیلاس‌ها از شاخه‌ها آویزون بودند و پروانه و زنبورها، با نسیم خنک می‌رقصیدند. نازنین‌زهرای قصه ما، چشم‌هاش رو بست، نفس عمیقی کشید و لبخند زد. حالش خوب و دلش شاد شده بود.

تصویری که می‌بینید، نقاشی نازنین‌زهراست که برای صفحه فرفره ارسال شده.

شعر

گیاه پرُخار

مثل جوجه تیغی، بدنت دارد تیغ
هر که نازت بکند، می‌کشد فوری جیغ
ای گیاه پُرخار، واقعا پُر زوری
تو شعارت این است، دوستی و دوری!
دوستت دارم من، ای گیاه کاکتوس
می‌فرستم از دور، من برایت یک بوس

شاعر: عفت زینلی

یک پیشنهاد خوب

ادامه تابستان با برنامه‌های خوب «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان»

دوستان خوب و باهوش و خلاقم! هرچند فصل تابستون به نیمه رسیده ولی ما فرفره‌ای‌ها براتون یک پیشنهاد درجه یک و عالی داریم که هم برای گذروندن تعطیلات مناسبه و هم برای بقیه ایام سال به دردتون می‌خوره. پیشنهاد ما: آشنایی و دوستی با «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» هست. فضایی که بیشتر از ۵۰ سال قبل، برای پرورش خلاقیت و خوشحال کردن بچه‌های ایرانی ایجاد شد و تموم این سال‌ها، محل بسیار خوبی برای کتاب‌خوندن، نقاشی کشیدن، شنیدن قصه‌های قشنگ، درست کردن کاردستی‌های رنگارنگ و یاد گرفتنِ مهارت‌های جذابی مثل سفالگری، تئاتر و نمایش و قصه‌نویسی بود و هست. کانون، بیشتر از ۱۰۰۰ دفتر در همه‌جای ایران داره و کافیه از بزرگ ترها خواهش کنید نزدیک‌ترین مرکز کانون به خونه‌تون رو پیدا کنند و باهم، پا به دنیای ساده و صمیمیِ کانون پرورشِ فکری بذاریـــد. این روزها، کانون برای بچه‌هایی که عضوش هستند برنامه‌های متنوع و مفرحی تدارک دیده که باهم، عکس‌هاش رو می‌بینیم.

این من هستم

به دنیای من خوش آمدید

● سلام. من مهسا یاسمن، ۹ سال دارم و از خوانندگان و علاقه‌مندان همیشگیِ صفحه فرفره هستـــم. تا حالا یکی دوبار نقاشی‌های من توی صفحه فرفره چاپ شده و من با دیدن نقاشی‌م، حسابی خوشحال شدم.

● من دختر پرجنب و جوشی هستم و عاشق شنا و فوتبالم. اما در کنار ورزش، دوست دارم درس‌هام رو به دقت بخونم و با کنجکاوی و خلاقیتی که دارم، در آینده دانشمند بشم و چیزهای جدید و جالب اختراع کنـــم.

● من، یک خواهر کوچک‌تر از خودم دارم که خیلی دوستش دارم. مامانِ من کارمنده و توی روزهای تابستون که من تعطیلم، مسئولیت مراقبت از خواهرم به عهده منـــه. به همین دلیل نتونستم در هیچ کلاس تابستونی شرکت کنم!

● من عاشق خانواده‌مون هستم و بزرگ‌ترین آرزوم اینه که اعضای خانواده‌م همیشه سالم و شاد باشن. آرزوی بعدیم هم اینه که مامانم زودِ زود بازنشسته بشه تا همیشه توی خونه، کنارم باشه!